


A Reappraisal and Critical Examination of Taha Hussein's Sociological Analysis of the 35 AH Revolution

Abdollah Zaki  / PhD in Sociology, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran
zakighaznavi@gmail.com

Ghasem Ebrahimipour Ne'matabad / Associate Professor of Sociology, Imam Khomeini Education
and Research Institute, Qom, Iran
ebrahimipour@iki.ac.ir

Received: 2025/08/25 - Accepted: 2025/11/05

Abstract

The revolution of 35 AH, which culminated in the assassination of Uthman ibn Affan, constitutes one of the most complex and influential episodes in Islamic history. In the aftermath of this event, the Islamic world was afflicted by numerous crises and civil strifes. Taha Hussein, a student of Émile Durkheim and a prominent Egyptian modernist thinker, addressed this historical period in his works from a sociological perspective. Employing an analytical method, the present study first explicates the methodological foundations and reconstructs the explanatory dimensions of Hussein's theory, and then proceeds to a critical examination of its methodological premises. The central question of the research is whether Hussein's analysis, despite its sociological depth, is capable of providing a comprehensive explanation of this complex historical event. The findings indicate that due to several serious methodological and theoretical deficiencies, this approach fails to offer a complete account of the event. Although Hussein's analysis is successful in identifying the background conditions and enabling causes, it proves inadequate in explaining the agentive causes and the conscious actions of historical actors on the basis of an Islamic worldview.


Keywords: Taha Hussein; assassination of Uthman; sociology of revolution; historical sociology

بازخوانی و بررسی انتقادی تحلیل جامعه‌شناختی طه حسین از انقلاب سال ۳۵ ق.

zakighaznavi@gmail.com

عبدالله زکی  دکتری جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 

ebrahimipour@iki.ac.ir

قاسم ابراهیمی پور نعمت‌آباد / استادیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 

دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴

چکیده

انقلاب سال ۳۵ هجری که به قتل عثمان بن عفان منجر شد، یکی از مقاطع پیچیده و تأثیرگذار در تاریخ اسلام به‌شمار می‌رود. جهان اسلام پس از این انقلاب دچار آسیب‌ها و فتنه‌های پرشماری شد. طه حسین، شاگرد دورکیم و اندیشمند نوگرایی مصری، در آثار خود با رویکرد جامعه‌شناختی به این مقطع از تاریخ اسلام پرداخته است. در این نوشتار با بهره‌گیری از روش تحلیلی، ضمن بیان مبانی روشی و بازخوانی ابعاد تبیینی نظریه طه حسین، به بررسی - تحلیلی - انتقادی مبانی روش‌شناختی آن پرداخته شده است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا تحلیل طه حسین با وجود عمق جامعه‌شناختی، قادر به تبیین کامل این رویداد پیچیده تاریخی بوده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این تحلیل نظری به دلیل برخی کاستی‌های جدی روش‌شناختی و مبنایی نتوانسته تبیین کاملی از این واقعه ارائه دهد. تحلیل طه حسین اگرچه در شناسایی زمینه‌ها و علل فراهم‌آور موفق بوده، اما در تبیین علل فاعلی و کنش‌های آگاهانه بازیگران بر اساس جهان‌بینی اسلامی ناتوان است.

کلیدواژه‌ها: طه حسین، قتل عثمان، جامعه‌شناسی انقلاب، جامعه‌شناسی تاریخی.

مقدمه

بازخوانی انتقادی میراث اجتماعی و علمی تمدن اسلامی که با انگیزه فهم ریشه‌های «وضعیت کنونی» و تبیین عقب‌ماندگی در سده‌های اخیر صورت گرفته، ذهن بسیاری از متفکران مسلمان را به خود مشغول داشته است. این دغدغه وجودی موجب شکل‌گیری آثاری شده که با نگاه نو، انتقادی و گاه رادیکال، مبنای روایات کلاسیک از تاریخ صدر اسلام را که قرن‌ها اساس فهم امت از خویشتن بوده، به چالش می‌کشند. این دست آثار که بیشتر از سوی روشنفکران عرب و با رویکرد اجتماعی تدوین شده، جریان بزرگی از بازاندیشی را فراهم آورده است. در این میان، کتاب *الفتنه الكبرى* نوشته طه حسین (۱۸۸۹-۱۹۷۳)، مورخ، ادیب، جامعه‌شناس و اندیشمند پیش‌گام مصری، به‌عنوان متنی شاخص، اثرگذار و جسورانه‌ای است که بازتابی از این دغدغه‌های بزرگ است.

طه حسین که به‌عنوان «عمید الأدب العربی» یاد می‌شود، در این اثر با تکیه بر دانش ادبی و تاریخی گسترده و با تأثیرپذیری از چارچوب‌های جامعه‌شناختی امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، به واکاوی یکی از مقاطع پیچیده و بحرانی تاریخ اسلام، یعنی قتل عثمان در سال ۳۵ هجری می‌پردازد. او در این کتاب با رد دیدگاه‌هایی که واقعه قتل عثمان را یک توطئه و یا انحراف دینی می‌دانند، معتقد است که این واقعه نتیجه‌ای اجتناب‌ناپذیر از مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی و ساختاری است. به باور وی، دگردیسی جامعه از ساختاری ساده و مبتنی بر برابری نسبی عصر پیامبر ﷺ به امپراتوری متمرکز، ثروتمند و پیچیده، همراه با سیاست‌های مالی و اداری عثمان، از جمله انتصاب خاندان اموی در مناصب حساس حکومتی و بخشش‌های گسترده بیت‌المال به خویشاوندان و فرمانداران، شکاف‌های طبقاتی عمیقی را دامن زد. این شکاف‌ها زمینه‌ای نارضابیتی عمومی و بی‌اعتمادی گسترده را فراهم آورده که در نهایت در قالب خشونت سیاسی و قتل خلیفه به اوج خود رسید.

اگرچه تحلیل جامعه‌شناختی طه حسین، افق تازه‌ای برای فهم تحولات اجتماعی صدر اسلام می‌گشاید و از روایت‌های جبری، شخصیت‌محور و توطئه‌باورانه سنتی فراتر می‌رود، اما خود این تحلیل نیز به‌نوبه خود نیازمند نقد و ارزیابی است. پرسش اصلی آن است که چه نقدهای مبنایی و روش‌شناختی بر این نظریه وارد است؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا نظریه طه حسین را که به‌صورت مفصل و پراکنده در کتاب او آمده است را بازتولید و مدون کرده‌ایم؛ سپس به بررسی انتقادی آن پرداخته‌ایم.

پیشینه تحقیق

آثاری که اندیشه طه حسین را موضوع بررسی خود قرار داده‌اند گونه‌های مختلفی دارند. برخی از آثار مباحث ادبی او و برخی دیگر نظریه تفسیری او و دسته سوم نظریه‌های اجتماعی او در مورد خلافت و حوادث مهم صدر اسلام را بررسی کرده‌اند.

از جمله آثاری که مباحث ادبی او را مورد بررسی قرار داده‌اند می‌توان به کارکرد نشانه‌های تأکید در زبان عربی معاصر و معادل‌یابی آن در زبان فارسی (با تکیه بر ترجمه کتاب الايام طه حسین و مقلّمه للشعر)، نوشته عبدالعلی آل‌بویه لنگرودی و سربیه شیخی قلات (۱۳۹۵)، و مقاله «بررسی و آثار طه حسین در ادب عربی» نوشته علی نظری (۱۳۷۳) اشاره کرد.

نظریه‌های تفسیر متن یکی دیگر از محورهایی است که آثاری مثل بینامتنیت قرآنی در اسلوب، واژگان و موسیقی کتاب «الایام» طه حسین، نوشته علی سلیمی و پژمان ظفری (۱۳۹۴) به آن پرداخته‌اند. اما مهم‌ترین آثاری که در مورد نظریه خلافت و تبیین‌های او که صبغه اجتماعی دارند تدوین شده، می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد:

دیدگاه طه حسین پیرامون مشروعیت خلافت اموی، نوشته صادق آئینه‌وند و مریم علوی (۱۳۸۹).
«دو گزارش از یک واقعه تاریخی: مطالعه تطبیقی نگاه طه حسین و مارتین هیندز به قتل خلیفه سوم»، نوشته حمیدرضا ثنایی و مهدی مجتهدی (۱۳۹۷).

«احساس حقارت و سبک زندگی در کتاب الايام طه حسین (بررسی روان‌شناسانه بر اساس نظریه آلفرد آدلر)»، نوشته علیرضا محمدرضایی و اکرم بیانی (۱۳۹۸).
حکم الإمام علی علیه السلام من منظور المعاصرین السنه دراسه وجهه نظر طه حسین نموذجاً، نوشته مریم عزیزیان (۱۴۰۰)
«نقد و بررسی قرائت طه حسین از اندیشه‌های ابن‌خلدون (ابن‌خلدون؛ جامعه‌شناسی مدرن یا متفکری اشعری؟)»، نوشته رضا تسلیمی طهرانی و حمید پارسانیا (۱۳۹۹).

روش تحقیق

در این پژوهش، پس از بازتولید نظریه طه حسین و استخراج مهم‌ترین مبانی و ابعاد نظریه و استدلال‌های به‌کار رفته در آن، با روش تحلیلی در جست‌وجوی شش دسته نقد به شرح ذیل خواهیم بود. بدیهی است نقدهایی که با مسئله و اهداف تحقیق حاضر تناسب دارند، دارای اولویت بوده و مورد تأکید قرار خواهند گرفت.

۱. **نقدهای مبنايي:** هر نظریه مبتنی بر دو دسته مبانی معرفتی و غیرمعرفتی است و مبانی معرفتی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، به‌عنوان اصول موضوعه باید در علم دیگری به اثبات رسیده باشند والا قابل مناقشه خواهند بود. مبانی طه حسین در این پژوهش استخراج و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

۲. **نقدهای روش‌شناختی:** نقدهای روش‌شناختی شامل خطاهایی، از جمله عدول از مبانی ذکرشده، عدم رعایت قلمرو تحقیق، عدم رعایت بی‌طرفی علمی و عدول از روش‌های پذیرفته‌شده خواهد بود.

۳. **کشف مغالطات:** گاهی اندیشمندان آگاهانه یا ناآگاهانه در استدلال‌های خود دچار مغالطه می‌شوند که کشف آن می‌تواند نقاط ضعف نظریه را روشن نماید.

۴. نقصان‌های شناختی: منابع و شواهد فراوانی وجود دارد که عدم آگاهی یا بی‌توجهی طه حسین نسبت به آن، نظریه او را قابل مناقشه ساخته است، این موارد را نقصان‌های شناختی می‌نامیم.

۵. معارضه‌های نظری: هرچند نظریه طه حسین از انسجام درونی خوبی برخوردار است، اما مواردی را می‌توان یافت که وی سخنان متناقض یا متعارضی مطرح نموده است که تحت عنوان معارضه‌های نظری از آن یاد می‌کنیم

۶. عدم رعایت اخلاق علمی: عدم استناددهی و یا رعایت نکردن شیوه‌های استناددهی و خلق ابهام در ذیل عدم رعایت اخلاق علمی قرار می‌گیرد.

شرح حال علمی طه حسین

طه حسین در سال ۱۸۸۹ میلادی در روستای عزبه الکیلو در استان منیای مصر به دنیا آمد و در اثر یک خطای پزشکی بینایی خود را در سن پنج سالگی از دست داد. علی‌رغم نابینایی، در سال ۱۹۰۲ وارد دانشگاه الازهر و سپس دانشگاه مصر شد و سرانجام با نوشتن رساله درباره ابوالعلاء معری، شاعر شکاک عرب دکتری خود را به پایان رساند (الجنیدی، ۱۹۷۷، ص ۲۱-۲۲). او با بورسیه دانشگاه مصر، در سال ۱۹۱۴ به فرانسه رفت و در دانشگاه مونپلیه به تکمیل ادبیات فرانسه، تاریخ و ادبیات یونان و لاتین پرداخت؛ سپس به مدت چهار سال در دانشگاه سوربن تحصیل کرد و در درس‌های دورکیم شرکت نمود. آشنایی او با اندیشه‌های امیل دورکیم تأثیر عمیقی بر روش‌شناسی او گذاشت. سرانجام با نوشتن رساله تحت عنوان «فلسفه اجتماعی ابن‌خلدون» به رتبه دکتری نائل شد (الجنیدی، ۱۹۷۷، ص ۲۲؛ عنایت، ۱۳۷۶، ص ۵۶). طه حسین پس از بازگشت به مصر، در ابتدا به‌عنوان استاد دانشگاه و سپس در مناصب مختلف فرهنگی و اجرایی، از جمله وزیر فرهنگ فعالیت کرد (عمار، ۱۴۳۵ ق، ص ۸۵).

مبانی روش‌شناختی

روش‌شناسی طه حسین در کتاب *الفتنه الكبرى* بر دو پایه شک دکارتی و مؤلفه‌های جامعه‌شناسی تاریخی استوار است. او با تلفیق این دو روش به تحلیل و بررسی واقعه قتل عثمان می‌پردازد.

شک دکارتی

طه حسین با روش «شک روشمند» دکارتی (دکارت، بی‌تا، ص ۴۶) به وقایع تاریخی صدر اسلام می‌نگرد. او معتقد است که باورهای جا افتاده و روایات تاریخی مربوط به صدر اسلام را که سال‌ها به‌عنوان امور مسلم و غیر قابل نقد تلقی می‌شدند، باید به‌مثابه پدیده تاریخی دیگر، با عقلانیت و بی‌طرفی علمی تحلیل کرد و از تفسیرهای مذهبی صرف و تلقی آنها به‌عنوان «حقایق دینی» پرهیز نمود (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۴-۵). بر این اساس، طه حسین با استفاده از این روش به دنبال دستیابی به قوانین اجتماعی و روانی حاکم بر رفتار انسان‌ها و جوامع است. اینجاست که جامعه‌شناسی دورکیم به کمک او می‌آید.

جامعه‌شناسی تاریخی امیل دورکیم

طه حسین برای تحلیل واقعه عثمان، از سه مفهوم «واقعیت اجتماعی»، «ساختار اجتماعی» و «بی‌طرفی ارزشی» جامعه‌شناسی تاریخی امیل دورکیم کمک می‌گیرد. او همچون دورکیم معتقد است که پدیده‌های اجتماعی واقعیت‌های عینی و مستقل از اراده افراد هستند که بر رفتار آنان تأثیر می‌گذارد. بر این اساس آنها را باید در چارچوب ساختارهای کلان جامعه (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) تحلیل کرد، نه با انگیزه‌های فردی.

این‌گونه تأمل و تحقیق کمک می‌کند به ریشه‌مسائلی دست یابیم که در زمانه عثمان شکل گرفت و یا زمانه عثمان را پدید آوردند، نه به این دلیل که عثمان زمامدار خلافت بود، بلکه از آن جهت که زمان آن رسیده بود که برخی از مسائل خودبه‌خود پدید آیند و برخی دیگر توسط مردم شکل بگیرند (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۹).

سرانجام طه حسین همچون دورکیم معتقد است که برای اینکه اندیشمند اجتماعی بتواند پدیده‌های اجتماعی را همچون «امر واقع» مطالعه کند، باید تمام پیش‌داوری‌های شخصی، اخلاقی و دینی خود را کنار بگذارد. بر این اساس:

من هم تلاش می‌کنم که از مسیر انصاف بیرون نشده و طرفدار حزب و یا گروهی از مسلمانان نباشم؛ زیرا من نه هواخواه عثمان و نه شیعه علی علیه السلام هستم؛ یعنی می‌خواهم در این قضیه با نظری بنگرم که خالی از احساسات و هوای نفس و فارغ از تأثیر ایمان و دین است. به عبارت دیگر، نظر مورخ بی‌طرفی که خود را کاملاً از عواطف مختلف و هواهای نفس برداشته است (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۴-۵).

تلفیق «شک دکارتی» با جامعه‌شناسی تاریخی

طه حسین پس از بیان هر دو پایه روشی خود، به تلفیق این دو روش می‌پردازد. او همانند دورکیم به نقد عقلانی منابع تاریخی می‌پردازد و معتقد است که نمی‌توان بخشی از تاریخ را که می‌پسندیم بپذیریم و بخشی دیگر را که نمی‌پسندیم رد کنیم. او با این شک سیستماتیک، به سراغ روایات تاریخی می‌رود و آنها را نه از منظر سندیت که از منظر انسجام درونی و تطابق با واقعیت‌های اجتماعی مورد نقد قرار می‌دهد (طه حسین، ۱۹۵۱، ۱۷۲-۱۷۳). در واقع، او در مرحله نخست با استفاده از روش دکارتی همه روش‌های سنتی و تفسیرهای مبتنی بر ایمان و دین درباره قتل عثمان را زیر سؤال می‌برد تا به یک لوح سفید برسد؛ پس از آن در مرحله دوم با ابزار جامعه‌شناختی دورکیم، این واقعه را نه انحراف دینی و نه توطئه شخصی، بلکه نتیجه اجتناب‌ناپذیر تنش‌های درونی جامعه اسلامی در حال گذار از یک جامعه ساده بدوی به یک امپراتوری متمرکز و پیچیده می‌داند. بنابراین هدف طه حسین عبور از تاریخ روایی به تبیین علل اجتماعی - اقتصادی رویدادهاست.

بازتولید تحلیل طه حسین از علل قتل عثمان

طه حسین به‌درستی عوامل قتل عثمان را در گذشته‌های دورتر جست‌وجو می‌کند و ابتدا به بررسی نحوه حکومت‌داری رسول اکرم ﷺ و خلیفه اول و ثانی می‌پردازد. او معتقد است که حکومت‌داری رسول اکرم ﷺ بر دو مؤلفه توحید و عدالت استوار بود. نبی مکرم اسلام ﷺ بر اساس آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳)، مسلمانان را به عدالت میان آقا و نوکر، آزاد و بنده، نیرومند و ناتوان و توانگر و مستمند دعوت می‌کردند، و می‌فرمودند: «مردم همانند دندانه‌های شانه با یکدیگر مساوی‌اند» (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۰). سیره عملی پیامبر ﷺ هم در مکه و هم در مدینه به‌گونه‌ای بود که در ذهنیت دینی مسلمانان این‌گونه رسوخ یافته بود که عدالت اساسی‌ترین رکن اسلام بوده و انحراف از آن، انحراف از ایمان و بی‌اعتنایی به آن، بی‌اعتنایی به دین است (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۲). دو خلیفه اول نیز تلاش کردند به شیوه نبی اکرم ﷺ عدالت را بنیان حکومت قرار دهند. آنها هم در زندگی شخصی و هم در امور عمومی مسلمانان، عدالت را سرلوحه کار خود قرار داده بودند (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۴-۱۵).

اما آیا این سیره توحیدی عدالت‌محور با طبیعت انسان که با خودخواهی، حرص و طمع بر منافع زودگذر سرشته شده است، سازگاری داشت؟ و آیا این سیره می‌توانست همچنان پایدار بماند و با تغییر سرشت مردم از آنها انسان‌های عالی بسازد، آن‌گونه که رسول اکرم ﷺ و دو خلیفه نخست بدان دعوت می‌کردند؟ در پاسخ به این پرسش، طه حسین معتقد است که باید بدانیم که حکومت اسلامی صدر اسلام چه نوع حکومتی بوده و شاخصه‌های اصلی آن چیست؟ او با رد دیدگاه‌های که حکومت اسلامی آن دوره را تئوکراسی، دموکراسی و نظام سلطنت عادلانه فردی می‌دانند، معتقد است که این حکومت، نظام عربی اسلامی خالص بود که پیشینه نداشت و پس از آن نیز تقلید نشد (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۲۱-۳۲).

این حکومت بر اساس دو عنصر شکل گرفت: نخستین عنصر روحیه و ضمیر دینی بود که متأثر از وحی به مدت ۲۳ سال در قالب الفاظ قرآن، حدیث نبوی ﷺ و سیره عملی آن حضرت در درون مسلمانان ایجاد شده بود و کنش‌های فردی و جمعی آنها متأثر از این ضمیر دینی بود؛ دومین عنصر این حکومت، اشرافیتی که نه بر اساس نژاد، ثروت و مقام اجتماعی، بلکه بر مبنای مصاحبت با پیامبر ﷺ و تسلیم در برابر امر و نهی او، شکیبایی در سختی‌ها و فداکاری در راه خدا استوار بود، و اسلام علی‌رغم تفاوت نژادی، ثروت و مقام اجتماعی، در حقوق و واجبات میان آنها مساوات برقرار کرده بود. آنها دین را به مردم آموزش داده و در امور مختلف راهنمایی مردم بودند و پیامبر ﷺ بارها آنان را به‌عنوان آموزگار احکام دینی برای قبایل عرب می‌فرستاد. بدین ترتیب، این طبقه از همان ابتدای ظهور اسلام که هنوز در بیرون از حجاز انتشار نیافته بود، جایگاه برجسته در

میان مسلمانان پیدا کرد. با رحلت رسول اکرم ﷺ و انقطاع وحی، این طبقه محور اصلی حل و عقد امور مسلمین شد و انتخاب خلیفه، مشاور و امیر از میان آنها انتخاب می‌شد (طه حسین، ۱۹۵۱، ۳۲-۳۴).

پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ، ابوبکر با نقل حدیثی از رسول گرامی اسلام ﷺ، مدعی امامت قریش شد و بدین ترتیب اشرافیتی شکل گرفت که بنیاد آن نه بر مصاحبت با پیامبر ﷺ، بلکه انتساب نسبی با آن حضرت بود. بر این اساس امامت ویژه قریش و جایگاه انصار در مقام مشاور قرار گرفت؛ درحالی که مفهوم رایج این واژه در میان مسلمانان صدر اسلام، مهاجرانی را دربر می‌گرفت که در اسلام پیش‌قدم بودند و زمان فتنه در مکه با پیامبر ﷺ جهاد می‌کردند و پس از آن در مدینه همراه با انصار نیروی مرکزی مسلمانان را تشکیل می‌دادند (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۳۵-۳۶).

طه حسین پس از توضیح این دو عنصر، نتیجه می‌گیرد که این دو عنصر با گذشت زمان و شکل‌گیری حوادث و فتنه‌ها نمی‌توانستند همچنان اقتدار خود را حفظ کنند؛ زیرا عنصر ضمیر دینی که در میان یاران پیامبر ﷺ وجود داشت، به دلیل همراهی، حضور و تعامل با آن حضرت بود، موهبتی که نسل‌های بعدی از آن محروم بوده و هیچ ضمانتی وجود نداشت که آن را از پدران‌شان به ارث ببرند؛ ضمن اینکه این عنصر نیز دستخوش حوادث و فتنه‌ها شد و بسیاری از اصحاب پیامبر ﷺ نتوانستند سربلند از این آزمایش‌ها بیرون آیند (طه حسین، ۱۹۵۱، ۳۸-۳۹)؛ اما عنصر دوم، یعنی برجستگان از اصحاب پیامبر ﷺ نیز با گذشت زمان به سن پیری رسیدند و در معرض مرگ قرار داشتند. آنها جایگزین طبقه‌ای دیگری می‌شدند که چنین امتیازی نداشتند (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۴۴-۴۵). بدین ترتیب با کمرنگ شدن این دو عنصر، تداوم حکومت صدر اسلام امکان‌پذیر نبود.

طه حسین پس از طرح این چارچوب مفهومی، به این نتیجه می‌رسد که برای فهم دوره خلیفه سوم، باید به بررسی علل و زمینه‌هایی پرداخت که حوادث زمانه عثمان را پدید آوردند و یا در زمان عثمان شکل گرفتند؛ زیرا این حوادث، علل و زمینه‌های آنها مهم‌تر از عاملیت‌هایی است که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در آنها شرکت داشتند (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۴۹). در ادامه ضمن دسته‌بندی این علل و زمینه‌ها، به بررسی آنها می‌پردازیم

۱. علل ساختاری

۱-۱. خلأ قانونی

به باور طه حسین، فقدان قانون تدوین‌یافته یکی از اساسی‌ترین علل شکل‌گیری حوادث دوره عثمان است؛ زیرا با گذشت زمان و دور شدن از عصر نبوی ﷺ، بازدارندگی دو عنصر «ضمیر دینی» و «اشرافیت دینی» به تدریج کمرنگ شدند و امکان تداوم حکومت متکی به این دو عنصر منتفی بود. بنابراین لازم بود که بر اساس کتاب و سنت، قوانینی وضع می‌شد تا شیوه انتخاب، حدود حکمرانی، وظایف خلیفه را مشخص کرده و همچنین حقوق و وظایف ملت، ابزارهای انتخاب خلیفه، نظارت و کیفر او در صورت انحراف را مشخص می‌کرد. چنین اقدامی موجب می‌شد که از

یک‌سو اقدامات خلیفه تحت نظارت قرار گرفته و جلوی تحیر و تأویل‌های فردی او را می‌گرفت و از سوی دیگر مانع اختلاف و تفرقه می‌شد؛ اگرچه با وجود جنگ‌ها و فتوحات و تأسیس حکومت در سرزمین‌های که سابقه تمدنی و حکومتی نداشتند و همچنین تربیت مردم بدوی، فرصت و زمینه مناسبی برای تدوین قوانین وجود نداشت. باین‌حال، فقدان قانون مدون به عثمان اجازه داد که در بخشش بیت‌المال به خویشان خود به بهانه صلّه رحم راه افراط در پیش گرفته و شکاف طبقاتی را رقم زند (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۴۱-۴۵).

۱-۲. فقدان نهاد نظارتی

دومین علت ساختاری حوادث دوره خلیفه سوم، شورای شش نفره‌ای بود که عمر آن را تشکیل داد. به باور طه حسین، کم بودن تعداد اعضای شورا و کوتاه بودن دوره فعالیت آن به مدت سه روز، نقص عمده این شورا بود. اگر اعضای بیشتری از مهاجرین به‌ویژه از میان افرادی که به دلیل شرکت در جنگ، در مدینه حضور نداشتند و همین‌طور برخی از انصار با داشتن صرف حق نظارت، عضو شورا می‌شدند و این شورا به‌صورت قانونی پس از تعیین خلیفه، وظیفه نظارت بر فعالیت‌های خلیفه را به عهده می‌گرفت، وضعیت بدین نحو پیش نمی‌رفت (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۶۲-۶۳).

۲. علل اقتصادی

۲-۱. سیاست‌های مالی

عثمان خلافت خود را با یک چرخش مهم آغاز کرد. او با کنار گذاشتن سیاست‌های سختگیرانه عمر، مقرری مردم را دو برابر کرد، بی‌آنکه خرجی بر زندگی مردم افزوده و یا دخلی تازه نصیب خزانه بیت‌المال شده باشد. او همچنین به بخشش‌های گسترده از بیت‌المال روی آورد و مردم را از شهرها برای گرفتن جایزه و هدایای مالی فراخواند. بخشش‌های مالی عثمان بدین مقدار متوقف نشد، بلکه علاوه برای افزایش مقرری اصحاب خاص پیامبر ﷺ، برای برخی از اصحاب پیامبر ﷺ مبالغ بسیار بزرگی مانند شش صد هزار (درهم یا دینار) برای طلحه و دو بیست هزار برای زبیر بخشش نمود (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۷۴-۷۷).

طه حسین معتقد است که بدون شک این بخشش‌ها برای ایجاد و افزایش محبوبیت خلیفه و همدلی مردم بود (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۷۵)، اما این تخلف از سیره عمر، نه از سر فساد، بلکه ناشی از «اجتهاد» شخصی عثمان و «سخاوت ذاتی» او بود که پیش از خلافت نیز تاجری سرمایه‌دار به‌شمار می‌رفت. عثمان بر اساس روحیه سخاوتمندانه خود پس از خلافت، گمان می‌کرد اختیار دارد در بیت‌المال تصرف کند و مانند سابق به خویشان خود بذل و بخشش کند؛ درحالی‌که ابوبکر و عمر پیش از خلافت هم ثروت چندانی نداشتند و اهل بذل و بخشش نیز نبودند و پس از خلافت نیز به همان روش سابق عمل کردند و بلکه بر خود سخت گرفتند که مبادا به گناه بیفتند (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۹۰).

نکته دوم «اجتهاد» شخصی عثمان بود که نه در اصل خلافت و نه در حیطه اختیارات خلیفه اجازه نظارت به مردم نمی‌داد؛ از این رو هنگامی که مردم از عثمان خواستند از خلافت کناره‌گیری کند، وی گفت جمله‌ای را که خدا بر تن من کرده در نخواهم آورد حتی اگر گردن مرا بزنید. بدین ترتیب عثمان باور داشت که مشروعیت خلافت او از ناحیه مردم نیست تا آنها اختیار عزل او را داشته باشند؛ لذا مسلمانان باید ظلم او را تحمل کنند و قضاوت را به خدا بسپارند (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۹۱-۱۹۲). بر اساس همین «اجتهاد» شخصی عثمان می‌گفت که ابوبکر و عمر به خاطر رضای خدا بر خود و خویشان خود سخت می‌گرفتند و ستم می‌کردند و من به خاطر رضای خدا بر خویشان خود بذل و بخشش می‌کنم (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۹۳).

البته بخشش‌های عثمان به اموال منقول ختم نشد، بلکه او اموال غیرمنقول مثل زمین‌های فتح‌شده را نیز بذل و بخشش می‌کرد. بر همین اساس، یکی از ایرادهای اصلی که بر سیاست‌های مالی عثمان وارد شده، این است که او زمین‌های گسترده‌ای را در شهرها تیول بنی‌امیه کرد. اهل سنت و جریان کلامی معتزله این اقدام عثمان را برای آبادانی زمین‌ها و انتفاع مسلمانان حمل کرده‌اند، اما شیعه در رد آن گفته است که بنی‌امیه یا قبیله قریش چه تخصصی در کشاورزی داشتند؛ ضمن اینکه عثمان نیز چنین دفاعی از خود نکرده است. با این وجود، طه حسین این اقدام عثمان را ناشی از «اجتهاد» شخصی عثمان می‌داند؛ از این رو نمی‌توان بر او خرده گرفت که چرا خمس غنائم افریقا را به عبدالله بن سعد بن ابی‌سرح و همین‌طور یک‌پنجم خمس غنائم افریقا را به مروان بن حکم و سرمایه‌های هنگفتی را به دیگرانی چون طلحه و زبیر بخشید (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۹۳-۱۹۵).

۲-۲. طرح اصلاحات ارضی

به باور طه حسین، طرح اصلاحات ارضی عثمان مبنی بر اجازه تعویض زمین‌های فتح‌شده با زمین‌های در حجاز و دیگر شهرهای عربی یک «انقلاب اقتصادی» بود. این طرح پس از گزارش سعید بن عاص اموی والی جدید، از اوضاع کوفه ارائه شد. سعید در این گزارش به عثمان نوشته بود که این شهر به دلیل روبه کاهش بودن اصحاب باسابقه پیامبر ﷺ و قاریان قرآن از یک‌سو و گسترش نوخاستگان، اعراب مرزی، برده‌زادگان و اسیران جنگی از سوی دیگر، آستان حوادث و فتنه‌هاست. عثمان پس از آگاهی از این مسئله، تصمیم گرفت طرح معاوضه زمین‌های فتح‌شده را با زمین‌های داخلی اجرا کند. او گمان می‌کرد با اجرای این طرح خاطر خرده‌مالک‌های که در خارج از حجاز زمین داشتند آسوده شده و از این طریق هجوم عرب‌های شکست‌خورده به شهرها (مانند بصره و کوفه) کنترل و عرب‌های حجاز را در شهرهای خود نگه دارد؛ ضمن اینکه اسیران و بردگان را نیز به شهرهای عربی کشانده و با اشتغال آنها در زمین‌های فوق، زمینه فتنه‌ها را از بین ببرد (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۰۲-۱۰۴).

اما این طرح، آسیب‌ها و مفاسد زیادی را در پی داشت. درحالی‌که عمر با منع خروج اصحاب از مدینه بستری فراهم آورده بود که سرمایه آنها را کد مانده و از این طریق انحراف آنها به‌خصوص قریش و جمع شدن مردم گرد آنها و شکل‌گیری حزب، گروه و... جلوگیری نماید (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۰۷)، اما عثمان با اجرای این طرح، ضمن اینکه زمینه مصرف نادرست مال مسلمانان، عدم تعادل بودجه و ستم‌های ناشی از آن بر رعیت را فراهم آورد، دو پیامد عمده داشت: نخست اینکه به ثروتمندان اجازه داد با خرید زمین‌های خرده‌مالکان در عراق و شهرهای دیگر نوینباد تازه فتح‌شده، مالکیت‌های بزرگی را ایجاد کرده و کارگران زیادی از برده و آزاد را استثمار کنند و از این طریق اشرافیتی شکل گرفت که مولود ثروت سرشار و کارگران زیاد بود؛ دوم، خریداران زمین‌های عربی به‌خصوص زمین‌های حجاز، برای برداشت محصول خود، بردگان زیادی را به‌کار گرفتند و از این طریق طبقه‌ای ثروتمندی شکل گرفت که دسترنج اسپران و بردگان حاصل از فتوحات را خورده و خود به عیاشی و برپایی مجالس لهو و لعب می‌پرداختند (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۰۵).

بدین ترتیب، طرح اصلاحات ارضی عثمان نتوانست اهداف او را محقق سازد و به‌جای آن، جامعه اسلامی را به سمت سرمایه‌داری و ایجاد فاصله شدید طبقاتی سوق داد. از یک طرف ثروتمندانی با دارایی‌ها سرشار و نیروهای وسیع و از طرف دیگر، طبقه کارگر تهی‌دست که باید با اشتغال در زمین‌های ثروتمندان اسباب عیش و نوش آنها را فراهم کنند و در این میان طبقه‌ای دیگری که ساکن شهرها، مراقب مرزها و مدافع منافع ثروتمندان بودند، شکل گرفتند. در نتیجه بذر اختلاف و انقلابی کاشته شد که از رقابت میان ثروتمندان بر سر مال و نیرو و کینه توده نسبت به سرمایه‌داران نشئت می‌گرفت (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۰۹).

۳. علل سیاسی

۳-۱. عزل و نصب کارگزاران

هنوز یک سال از حکومت نگذشته بود که عثمان عزل و نصب والیانی را که عمر به‌کار گمارده بود، آغاز کرد. سیاست کلی عثمان در عزل و نصب کارگزاران بر دو شاخص اهمیت شهرها و خاندان بنی‌امیه استوار بود. او در شهرهای که اهمیت نداشتند کارگزاران عمر را جز در مواقع ضرورت عوض نکرد (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۸۹)، اما در شهرهای مهم چون شام، مصر، کوفه و بصره که اهمیت نظامی، اقتصادی و یا مرزهای مهم داشتند، از خاندان بنی‌امیه برگزید؛ مانند معاویه در شام، ولیدبن عقبه بن ابی‌معیط در کوفه پس از عزل سعدبن ابی‌وقاص و سعیدبن ابن‌عاص اموی پس از عزل ولید، عبدالله بن ابی‌سرح برادر رضاعی عثمان پس از عزل عمرو بن العاص در مصر، عبدالله بن عامر پسر دایی عثمان در بصره پس از عزل ابوموسی اشعری. طه حسین معتقد است که علی‌رغم بی‌تجربگی و سابقه منفی برخی از این افراد؛ مانند عبدالله بن ابی‌سرح که پیامبر ﷺ را بسیار آزرده بود و حتی

خون او مباح اعلام شده بود و ولیدبن عقبه که به پیامبر ﷺ دروغ گفته بود و مرتد شد، عثمان آنها را برگزید و جز در مواقعی که به دلیل عیاشی، خودفروشی و شراب‌خواری و یا ظلم و ستم فراوان، تحت فشار قرار نمی‌گرفت، این کارگزاران را عزل نمی‌کرد (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۸۷-۱۸۹).

۲-۳. تمرکز قدرت در شام

طه حسین معتقد است که سپردن تمام منطقه شام و فلسطین به معاویه و اعطای اختیارات گسترده به او از یک سو و برخلاف سیره عمر، اجازه کشورگشایی و ورود به جنگ دریایی از سوی دیگر، باعث ایجاد یک قطب قدرت موازی در شام شد؛ به گونه‌ای که فرماندهی چهار سپاه را به عهده داشت. بدین ترتیب، عثمان بدون تردید به تقویت بنی‌امیه پرداخت و زمینه انتقال خلافت به آنها را فراهم آورد. در صورتی که اگر عثمان سیره عمر را ادامه می‌داد و معاویه را تنها بر حکومت دمشق و اردن باقی می‌گذاشت و حمص و فلسطین را تحت حکومت مستقیم مدینه اداره می‌کرد، از یک سو می‌توانست با به‌کارگیری نسل جوان عرب، ناراضی‌هایها و خشم آنان را کنترل کند و از سوی دیگر، در هنگام بروز فتنه معاویه، او قادر نمی‌بود زمینه‌ای برای دستیابی به خلافت فراهم آورد؛ بلکه تعیین خلیفه همچنان از مسیر شورا و اجماع مسلمانان صورت می‌گرفت.

جالب آنکه در شورش علیه خلافت عثمان، معاویه از حمایت عثمان خودداری کرد (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۲۱۹-۲۲۱).

۳-۳. عدم حمایت کارگزاران

پرسش مهمی که به باور طه حسین در اینجا مطرح می‌شود و گذشتگان از پاسخ به آن خودداری کرده‌اند، این است که چرا در محاصره چهل روزه منزل عثمان که به قتل او منجر شد، کارگزاران عثمان در حمایت از او تأخیر کردند؛ در حالی که عبدالله بن ابی‌سرح فرماندار مصر، ابوموسی اشعری فرماندار کوفه و عبدالله بن عامر فرماندار بصره همگی از خروج مردم منطقه تحت فرمان خود برای قیام در مدینه اطلاع داشتند. معاویه فرمانده سرزمین پهناور شامات با چهار سپاه مجزا نیز از طریق عبدالله بن ابی‌سرح اطلاع یافته بود، اما هیچ کدام در حمایت از خلیفه اقدام سریع و لازم را از خود نشان ندادند. عجیب آنکه ابن عباس که بنا به نقلی به فرمان عثمان به حج رفت و نامه وی را برای حاجیان خواند، نه حاکم مکه و نه حاجیان عکس‌العملی از خود نشان ندادند؛ در حالی که اگر هریک از اصحاب سنگی به شورشیان پرت می‌کردند آنها شکست می‌خوردند. پاسخ ابتدایی طه حسین این است که مردم دچار سستی شده بودند و فرمانداران نیز چیزهای در درون خود نهفته داشتند که موجب تأخیر در حمایت از عثمان شد؛ ضمن اینکه مردم مدینه بیشتر طرفدار شورشیان بودند. اما طه حسین علت اصلی روگردانی مردم از حمایت خلیفه را سیاست‌های حکومتی او می‌داند که نه به خلافت شباهت داشت و نه پادشاهی، بلکه میان این دو بود (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۲۱۹-۲۲۰).

۴. علل اجتماعی - فرهنگی

۴-۱. تغییر بافت جمعیتی

طه حسین بافت جامعه اسلامی دوره خلافت عثمان را به چهار دسته قریش، انصار به‌ویژه نسل جوانان آنها، اعرابی که به زور یا به اختیار مسلمان شده بودند، مردمی که شکست خورده و سرزمین‌شان فتح شده بود، دسته‌بندی می‌کند. عمر با راهبردهای سخت‌گیرانه، خشونت‌آمیز و عدم اجازه خروج از مدینه نسبت به قریش (به دلیل اطلاع از خودخواهی، حرص و مال‌اندوزی، جاه‌طلبی و امکان بروز فتنه)، اعمال رویکرد مشورتی و مشارکتی نسبت به انصار و مساوات نسبت به اعراب بادیه‌نشین و مردم شکست‌خورده، جامعه را کنترل می‌کرد، اما در دوره عثمان بافت جمعیتی تغییر کرده بود، نسل جدیدی از انصار که در دوره عمر هنوز نوجوان به‌شمار می‌رفتند، در این دوره با آگاهی از موقعیت اجتماعی خود، خواستار مشارکت در قدرت بودند. همین‌طور جمعیت اعرابی که به فتح‌های متعدد نائل شده و مأموریت پاسبانی در مرزها را داشتند و در شهرها و یا مرزها ساکن بودند، بسیار افزایش یافته بود. در کنار این‌ها جمعیت اهل ذمه، یعنی مردمی که شکست خورده و شهرهای آنان توسط مسلمانان فتح شده بود نیز، روزبه‌روز افزایش می‌یافت. این دو طبقه از رعیت عثمان، خواستار رعایت عدالت و تساوی حقوق بودند (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۸۳-۸۶).

اما عثمان بدون توجه به این بافت اجتماعی و تغییر آن، به قریش اجازه خروج از مدینه صادر و در اداره حکومت، خاندان بنی‌امیه را بر دیگران مسلط کرد. بدین ترتیب از یک‌سو، امکان شکل‌گیری و گسترش شکاف طبقاتی، ایجاد گروه‌های سیاسی و انحراف آنها را فراهم؛ و از سوی دیگر، سایر دسته‌های جامعه اسلامی را از مشارکت در حکومت، برخوردار از عدالت و مساوات محروم کرد. بدین ترتیب، این دسته‌ها به این نتیجه رسیدند که حکومت عثمان اشرافی است و بر مبنای خودخواهی و خودمحوری بنی‌امیه و تاحدی قریش استوار بوده و آنها طبقه زیردست به‌شمار می‌روند (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۸۳-۸۵).

۴-۲. مخیله اجتماعی

طه حسین در کنار سایر عوامل، به تأثیر روانی وقایع در افکار عمومی نیز توجه دارد. به عقیده او، عثمان از روزی که انگشتر پیامبر ﷺ را در چاه اریس گم کرد، ذهنیت منفی در میان مسلمانان شکل گرفت و آهسته آهسته این ذهنیت منفی گسترش یافت. این انگشتر از پیامبر ﷺ به ارث رسیده و خلفای پیشین فرمان‌ها و نامه‌ها را با آن امضا می‌کردند و در واقع، کارکرد نمادین آن جانشینی پیامبر ﷺ بود. گم شدن این انگشتر در ذهن مردم به‌عنوان «فال بد» تفسیر شد و از این طریق، ضربه بزرگی به مشروعیت نمادین خلیفه وارد شد. اگرچه عثمان انگشتر جدیدی همانند انگشتر پیامبر اکرم ﷺ ساخت، اما هیچ‌گاه در ذهنیت مردم اعتبار نیافت (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۲۰۰-۲۰۱).

۵. ویژگی‌های فردی عثمان

عثمان در سنین پیری، یعنی ۷۰ سالگی به خلافت رسید. از نظر طه حسین او مردی باحیا، سخاوتمند، خوش اخلاق بود و نسبت به مردم حسن ظن داشت. طه حسین معتقد است با توجه به این ویژگی‌ها، اگر عده‌ای حریص در میان خویشاوندان چنین مردی باشد و چشم به قدرت دوخته باشند، رخداد چنین مصیبت‌هایی طبیعی خواهند بود. بر این اساس، گروهی از اصحاب در دوران خلافت عثمان به رفاه و ثروت دست یافتند و به تدریج روحیه دنیاطلبی در آنان تقویت شد. همین امر موجب گردید که برخی از ایشان خود را در شأنی کمتر از عثمان نبینند و حتی گمان کنند که در اداره جامعه از او شایستگی و توانایی بیشتری دارند. این امر بر مشکلات خلیفه می‌افزود و مسائل سیاسی و اجتماعی را پیچیده‌تر می‌کرد (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۲۱۷).

۶. فقدان سیاست‌های قضایی

فقدان سیاست قضایی روشن در دوره عثمان از دیگر عوامل چالش‌برانگیزی بود که بارها خشم عمومی را برانگیخته بود. عثمان بدون برگزاری جلسه محاکمه و ارائه فرصت دفاع به متهمان به اجرای حد، تعزیر و مجازات می‌پرداخت. او برخلاف سیره نبوی ﷺ و خلفای پیشین، هم خود مستقیماً و هم دست کارگزاران خود را در ستم و تعدی به مال و جان مردم باز گذاشت. او سه تن از اصحاب پیامبر ﷺ را بدون محاکمه مجازات کرد. به دستور او عمار بن یاسر را آن چنان زدند که دچار فتق شد و عبدالله بن مسعود را چنان با خشونت از مسجد بیرون کشیدند که یکی از دنده‌های او شکست. همین‌طور ابوذر را به اجبار تبعید کرد؛ درحالی‌که جرم این اصحاب تنها اعتراض بر سیاست‌های خلیفه و کارگزاران او بود (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۹۸).

همچنین عثمان به کارگزاران خود اجازه داد که با مشاهده مخالفت مردم، آنها را تبعید کنند. بر همین اساس، کارگزاران او گروهی از مردم را بدون محاکمه و فرصت دفاع، دست‌به‌دست می‌گردانیدند؛ سعید برای معاویه می‌فرستاد، معاویه به سعید و آن دو به عبدالرحمن بن خالد (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۹۸-۱۹۹).
ابتدایی‌ترین پیامد این اقدامات خشم عمومی بود که نمونه آن را در نامه مالک اشتر به عثمان می‌خوانیم. او در این نامه می‌نویسد:

از مالک بن حارث به خلیفه درمأنده خطاکار که از سنت پیامبر ﷺ منحرف شده و به حکم قرآن پشت کرده... دست خود و عمالت را از ظلم و ستم بر ما و تبعید نیکان ما بازدار تا تو را اطاعت کنیم... و از جنایاتی که بر نیکان ما کردی و پارسایان ما را تبعید و از خانه‌هایمان رانده‌ای پوزش بطلبی (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۲۹).

۷. تناقض تبیین دینی و جامعه‌شناختی

طه حسین پس از بررسی رخدادها و حوادثی که در شکل‌گیری خشم عمومی که به انقلاب ۳۵ هجری و قتل عثمان انجامید، به بررسی دیدگاه‌های پیشینیان و نتیجه‌گیری نهایی می‌پردازد. او معتقد است که انتخاب عثمان

هم مثل ابوبکر و عمر درست بود و اگر خلافت ابوبکر و عمر یک نفر مخالف داشت، انتخاب عثمان و بیعت با او بدون مخالف صورت گرفت، اما بیعت قراردادی است میان امام و رعیت که هر دو باید بدان ملتزم باشند. عثمان متعهد شده بود که مطابق کتاب و سنت و سیرهٔ دو خلیفهٔ قبل عمل کند. حال، پرسش اصلی این است که آیا عثمان طبق مفاد بیعت عمل کرد یا خیر؟ در صورت نخست مسلمانان حق مخالفت نداشته تا چه رسد به شورش و قتل، اما در صورت دوم اطاعت او واجب نیست (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۷۳-۱۷۴).

طه حسین معتقد است که پیشینیان، تمامی رخدادهای و اتفاقات دورهٔ عثمان را از منظر دینی و معیار کفر و ایمان نگریسته‌اند؛ درحالی‌که این رخدادهای سه دسته تقسیم می‌شوند: دستهٔ نخست رخدادهای است که کاملاً جنبهٔ دینی داشته و مربوط به نصی از نصوص قرآن و یا سنت پیامبر ﷺ بودند؛ دستهٔ دوم و سوم رخدادهایی هستند که به ترتیب مربوط به امور سیاسی و نظام اجتماعی می‌شدند. معیار سنجش در دستهٔ نخست همان نص قرآن و سنت پیامبر ﷺ است، اما در دو دستهٔ بعدی، ملاک اجتهاد شخصی امام است که این اجتهاد ممکن است به خطا یا به صواب بیانجامد، ولی تا زمانی که امام به اجتهاد خود عمل کند، در دین او زیانی وارد نمی‌شود (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۷۰).

طه حسین با این مقدمه، رخدادهای چون بخشش قصاص عبدالله بن عمر در قضیهٔ قتل هرمان، جفینه (مسیحی اهل حیره) و دختر ابولؤلؤ، تمام خواندن نماز در منا، زکات اسبها، اختصاص قرق در چراگاهها، صرف پول صدقه در کار جنگ و مصالح عمومی دیگر، تحمیل قرائت واحد و آتش زدن سایر نسخه‌های قرآن و برگرداندن حکم بن ابی‌العاص عموی عثمان و خانوادهٔ او، علی‌رغم تبعید او از سوی پیامبر ﷺ به دلیل آزار و اذیت نبی اکرم ﷺ، را در دستهٔ نخست قرار می‌دهد. او با بررسی دو دیدگاه مدافع و مخالف عثمان در مورد این رخدادهای، نتیجه می‌گیرد که هیچ‌کدام این رخدادهای به‌جز برگرداندن حکم بن ابی‌العاص، غیر قابل توجیه نبوده و زیانی به دین عثمان وارد نمی‌کنند (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۷۵-۱۸۴).

تنها موردی که نمی‌توان از آن دفاع کرد، برگرداندن حکم بن ابی‌العاص و خانوادهٔ اوست که مخالف با منع صریح پیامبر ﷺ صورت گرفته است. علاوه بر اینکه، عثمان مال فراوانی نیز به او بخشید و مروان بن حکم را به‌عنوان وزیر و مشاور قرار داد. روشن است که عثمان، حکم بن ابی‌العاص و فرزندانش را به مدینه آورد که پشتیبان او باشد نه از روی عاطفه و مهربانی. با این حال، این تخلف نیز زیانی به دین او نمی‌رساند؛ زیرا هیچ اصل و رکن دین را تغییر نداده است! (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۸۴-۱۸۵).

اما در رخدادهای سیاسی و اجتماعی مانند عزل و نصب کارگزاران، سیاست مالی و اقتصادی و برخورد او با منتقدان و مخالفان که پیش‌تر مورد بررسی قرار گرفت، سیاست‌های عثمان مطابق پیمان بیعت نبوده و دفاع سنیان و معتزلیان از عثمان متکلفانه است (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۸۷-۱۹۹). بدین ترتیب انقلابیون حق داشتند شورش کنند و در صورتی که سایر مسلمانان با آنها متحد می‌شدند، عثمان را مورد بازخواست قرار داده و اگر او

را شایسته ادامهٔ خلافت ندیدند، امام دیگر انتخاب کنند. اما به دلیل نداشتن وکالت از جانب مسلمانان، آنها حتی حق محاصره و حق خلع خلیفه را نداشتند، تا چه رسد که خون او را بریزند. البته علی‌رغم توجیهاات متعددی که برای قتل خلیفه شمرده شده، به نظر می‌رسد محیط اجتماعی و سیاسی از یک‌سو و تقدیر الهی از سوی دیگر بر این رفته بود که این واقعه اتفاق بیفتد (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۲۲۲).

۸. ارزیابی انتقادی تحلیل طه حسین

۸-۱. نقدهای مبنایی

۸-۱-۱. عقل‌گرایی افراطی

طه حسین با تکیه بر عقلانیت مدرن و شک‌دکارتی، تاریخ را عرصه‌ای می‌داند که تنها با ابزارهای عقلانی و تجربی قابل تحلیل است. این رویکرد افراط‌گرایانه نسبت به عقل (پارسانیا، ۱۳۹۷، ص ۱۰۵-۱۰۶) موجب می‌شود که از نقش عناصر و ارزش‌های دینی مانند ایمان و اعتقاد به غیب، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، شهادت و عدالت در شکل‌دهی به رویدادها، غفلت ورزیده و اعتراضات علیه عثمان را صرفاً برآمده از عوامل اقتصادی و اجتماعی بداند؛ درحالی‌که در منابع تاریخی مانند *تاریخ الطبری*، تأکید شده که انگیزهٔ بسیاری از معترضان «الامر بالمعروف و النهی عن المنکر» و دفاع از سنت پیامبر ﷺ بوده است (طبری، ۱۳۶۲، ج ۶ ص ۲۱۳۴-۲۱۳۶).

۸-۱-۲. غفلت از مبانی کلامی

در دوران خلافت عثمان، مفاهیم کلامی مانند شرایط عدالت در امام، حدود اختیارات خلیفه و مفهوم بیعت، محور مناقشات بودند. اگرچه طه حسین در بخش خلاً قانون و فقدان نهاد نظارتی، نبود قوانین تدوین‌یافته و نهاد نظارتی را یکی از عوامل اساسی در شکل‌گیری حوادث عثمان می‌داند، اما این مفاهیم را تنها در سطح کلی جامعهٔ اسلامی تحلیل می‌کند و گفتمان معترضان و انقلابیون را خالی از این مفاهیم می‌داند؛ درحالی‌که «تقسیم بیت‌المال» و «انتقاد از انحصار قدرت در بنی‌امیه» در گفتمان معترضان، صرفاً یک اعتراض مادی نبود، بلکه نبرد بر سر تفسیر دینی عدالت بود (طه حسین، ۱۹۵۱، ۲۳۳۵؛ مادلونگ، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷-۱۳۹)؛ چنانچه اعتراض عبدالله بن مسعود بر شیوهٔ تقسیم بیت‌المال در کوفه که موجب عزل او و قطع مقرری او شد و همین‌طور اعتراض‌های مکرر ابوذر غفاری و عمار یاسر نشانگر این نکته بود.

۸-۱-۳. تعارض معرفت‌شناختی عقل مدرن و معرفت دینی

رویکرد معرفت‌شناختی طه حسین، مبتنی بر شک‌دکارتی (شک در هر چیزی تا زمانی که با عقل اثبات شود) است. این رویکرد، با معرفت‌شناسی اسلامی که نقل و حیانی را به‌عنوان منبع معتبر می‌پذیرد، در تعارض است. بر این اساس، طه

حسین، همان‌گونه که در بخش روش‌شناسی (تلفیق شک دکارتی با جامعه‌شناسی تاریخ) متذکر شد، هنگام مواجهه با روایاتی که اقدامات صحابه را با استناد به آیات قرآن یا سنت پیامبر ﷺ توضیح می‌دهند، یا آنها را نادیده می‌گیرد و یا به تفسیری عقلانی تقلیل می‌دهد. به‌طور نمونه در رخداد قصاص عبیدالله بن عمر، علی‌رغم آیات متعدد (بقره: ۱۷۸ و ۱۷۹؛ اسراء: ۳۳) که صراحت بر قصاص دارد، طه حسین با توجیه‌های متعدد عقلی نظیر مصالح مسلمین و دستور قرآن به عفو و ولی دانستن عثمان آن را تخلف عثمان از حکم الهی نمی‌داند (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۷۷-۱۷۸). مورد دیگر، تمام خواندن نماز در منا است که تمامی صحابی پیامبر ﷺ و همراهان عثمان در این سفر، آن را بدعت و مخالف سنت مستفیض پیامبر؟ ص؟ و سیره نبوی ﷺ و شیخین شمرند، اما طه حسین این بدعت عثمان را به دلیل ترس عثمان از اعراب بیابانی که مبادا به اشتباه بیفتند، اجتهاد عثمان (علی‌رغم وجود نص!) می‌داند که با هدف خیر مسلمانان صورت گرفته است (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۷۸-۱۷۹). همچنین زکات اسبها، صرف پول صدقه در کار جنگ و مصالح عمومی دیگر و برگرداندن حکم بن ابی‌العاص عموی عثمان و خانواده او، از دیگر موارد این تفسیر عقلانی است.

۸-۲. نقدهای روش‌شناختی

۸-۲-۱. عدول از بی‌طرفی

بی‌طرفی ارزشی یکی از مؤلفه‌های اصلی روش‌شناسی طه حسین است (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۵۴)، اما در عمل، برای توجیه اقدامات عثمان (مانند بخشش خمس غنائم به مروان) به استدلال‌های متکلمان معتزله متوسل می‌شود که می‌گفتند حاکم اسلامی مجاز است در مصلحت عمومی، در اموال عمومی تصرف کند؛ درحالی‌که دیدگاه اهل حدیث که هرگونه تصرف در بیت‌المال را نیازمند نص صریح شرعی می‌دانستند و یا اعتراض عبدالرحمن بن عوف که این اقدام را «بدعت در سنت پیامبر ﷺ» می‌خواند، نادیده می‌گیرد. این رویکرد که در موارد متعدد دیگر مانند برگرداندن حکم بن ابی‌العاص (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۸۵)، دموکراتیک توصیف کردن انتخاب عثمان، توجیه اقدام عمر برای انتخاب خلیفه بدین‌گونه که او هم به پیامبر ﷺ و هم به ابوبکر تأسی کرد (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۵۴)، بی‌طرف بودن علمی او را زیر سؤال می‌برد (امینی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۱).

۸-۳. نقصان‌های شناختی

مراد از نقصان‌های شناختی بررسی میزان توجه یا بی‌توجهی طه حسین به ابعاد پیچیده و چندلایه واقعه، مانند بعد کلامی - اعتقادی است.

۸-۳-۱. نادیده گرفتن انگیزه‌های اعتقادی

طه حسین احتمالاً تحت تأثیر دورکیم به شدت بر عوامل ساختاری مانند عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی

تأکید و از رویکرد تفسیری غفلت می‌ورزد و به همین دلیل از تحلیل انگیزه‌های عمیق اعتقادی شخصیت‌هایی مانند ابوذر غفاری، عمار یاسر و مالک اشتر که بر اساس دفاع از عدالت اجتماعی قیام کردند، غافل می‌ماند. چنانچه عمار یاسر در اعتراض به معاویه که بیت‌المال را مال‌الله می‌پنداشت و خود را نایب خلیفه‌الله می‌دانست، معتقد بود که بیت‌المال مال مسلمین است و باید در مصارف عمومی آنان مصرف شود (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۶۴). همچنین متن نامه مالک اشتر که عثمان را فردی منحرف از سنت پیامبر ﷺ و پشت کرده به حکم قرآن خطاب می‌کند، گویای انگیزه‌های اعتقادی نویسنده است (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۲۹).

۲-۳-۸. غفلت از منابع شیعی

طه حسین در تحلیل‌های خود به منابع اهل سنت استناد می‌کند و از منابع تاریخی شیعه که می‌توانست دیدگاه متوازن‌تری ارائه کند، بهره‌چندانی نمی‌برد. برخی از مهم‌ترین منابع شیعی که طه حسین می‌توانست در کتاب خود استفاده کند عبارت‌اند از: نهج‌البلاغه، الارشاد شیخ مفید، الاحتجاج طبرسی، تاریخ یعقوبی، شرح نهج‌البلاغه از ابن‌ابی‌الحدید معتزلی. در این منابع نقاط عطف زمانه عثمان به‌گونه‌ای غیر از آنچه طه حسین روایت کرده، آمده است. به‌طور نمونه درحالی‌که از نظر طه حسین امام علی ﷺ خلافت را حق شخصی خود نمی‌دانست، بلکه آن را به شورا و تصمیم جمعی سپرد و روز بیعت نیز چون شرط عبدالرحمن بن عوف را که تبعیت از روش شیخین بود، نپذیرفت، خلافت به عثمان رسید (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۶۰-۶۴)، اما امام علی ﷺ در خطبه شقشقیه، شورا را ابزار سیاسی برای کنار گذاشتن خود می‌دانست و نسبت به مشروعیت آن اعتراض داشت. امیرالمؤمنین ﷺ در این خطبه از اینکه او هم‌سنگ اعضای شورای شش نفره قرار گرفته به خدا شکایت می‌برد و معتقد است که از روی ناچاری با این شورا هماهنگ شده است (نهج‌البلاغه، خطبه ۳). علاوه بر این، در تاریخ یعقوبی نیز عدم رضایت امام علی ﷺ نسبت به انتخاب عثمان و وجود مخالفین دیگری چون مقداد، ابوذر و عبدالله بن مسعود نیز آمده است؛ ضمن اینکه یعقوبی دلیل عدم اعتراض علی امام علی ﷺ و یاران اندکش را، همان اندک بودن یاران می‌داند (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۵۴-۵۵). همچنین برخلاف دیدگاه طه حسین که برگرداندن حکم‌بن‌ابی‌العاص را توجیه کرده و زیان‌بخش در دین عثمان نمی‌داند، یعقوبی این اقدام عثمان را ضمن تخلف از سیره پیامبر اسلام ﷺ و سیره شیخین، موجب ایجاد اعتراض مسلمانان می‌شمارد (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۵۶). بنابراین نادیده گرفتن منابع شیعی موجب شده است که تحلیل‌های طه حسین یک‌سویه باشد.

۴-۸. کشف مغالطات: مغالطه تأکید بر علل اقتصادی

او دچار مغالطه «تقلیل‌گرایی» شده است؛ یعنی علل پیچیده یک پدیده (ترکیبی از عوامل سیاسی، اعتقادی، اقتصادی و شخصی) را تنها به یک علت (عوامل اقتصادی) تقلیل می‌دهد و دیگر عوامل را کمرنگ جلوه می‌دهد

(محمدشاکر، بی‌تا، ص ۵۲۴). در واقع، طه حسین با تکیه بر روش دورکیمی، از دوگانه ساختار و عاملیت، بر ساختار تأکید می‌کند و عاملیت را نادیده می‌گیرد. بر همین اساس، هم در ابتدای کتاب پیش از آنکه به بررسی رخدادهای زمانه عثمان بپردازد، ساختارها و رخدادهای اجتماعی را موجب شکل‌گیری انقلاب سال ۳۵ هجری می‌داند (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۹) و هم در پایان نتیجه می‌گیرد که محیط و زمینه‌های اجتماعی به معنای عام عامل اصلی این رخدادهای بود (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۲۲۲).

۸-۵. معارضه‌های نظری

۸-۵-۱. تناقض در توجیه اقدامات عثمان

یکی از اساسی‌ترین معارضه‌های نظری که موجب ضعف تحلیل طه حسین می‌شود، توجیه اقدامات بحث برانگیز عثمان مانند بخشش بیت‌المال به بستگان و نزدیکان، انتصاب بنی‌امیه در مناسب‌کلیدی و مانند آن، به‌عنوان «اجتهاد» شخصی خلیفه است. از نظر او عثمان در چارچوب صلاحیت‌های خود تصمیماتی را می‌گرفت که از نظر خودش به مصلحت جامعه اسلامی بود. این رویکرد عثمان را از اتهام فساد یا خیانت مبرا ساخته و او را در جایگاه یک مجتهد قرار می‌دهد که ممکن است خطا کند یا به صواب رهنمون شود. او در قبال این تصمیمات تنها در قبال خداوند پاسخگو است و نه مردم، اما در مقابل، خواست معترضان که اصلاح و یا عزل خلیفه بود غیرمشروع شمرده می‌شود؛ چون معترضان نماینده مردم نبودند و هیچ حقی برای عزل خلیفه نداشتند؛ از این رو اعتراض و قیام علیه خلیفه یک شورش و فتنه شمرده می‌شود. این رویکرد موجب می‌شود که حق حاکمیت مطلقه به خلیفه داده شود و اما هیچ سازوکاری زمینی برای بازخواست و یا کنترل این اجتهاد در نظر گرفته نشود. بدین ترتیب این تناقض با تقدیس قدرت سیاسی خلیفه، آن را فراتر از نقد پنداشته و سرانجام به توجیه استبداد و نفی عدالت‌خواهی منجر می‌شود (الجابری، ۲۰۰۴، ص ۳۷۱-۳۷۲).

۸-۵-۲. تناقض در تحلیل

طه حسین از یک‌سو، قتل عثمان را نتیجه حتمی عوامل اجتماعی می‌داند و معتقد است که تحول جامعه اسلامی از ساختار قبیله‌ای ساده به امپراتوری بزرگ عامل اصلی حوادث زمانه عثمان بود؛ از این‌رو سیاست‌های عثمان عامل شتاب‌دهنده بود نه عامل اصلی (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۲۳)، اما از سوی دیگر، هرگونه حق شورش و قیام معترضان را نفی می‌کند و آن را فتنه‌ای نابجا می‌خواند که خون عثمان در آن مباح نبوده و شورشیان مرتکب گناه کبیره شده‌اند (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۲۱۵). این دو موضع، با هم در تناقض هستند؛ زیرا طه حسین از یک‌سو به علیت ساختاری باور دارد و از سوی دیگر نسبت به معترضان مسئولیت اخلاقی فردی را مبنا قرار می‌دهد (حسین، ۱۳۶۳، مقدمه کتاب، ص ح).

۸-۶. عدم رعایت اخلاق علمی

طه حسین در موارد متعددی به نظرات یا روایات تاریخی استناد می‌کند بدون آنکه منبع دقیق آن را ذکر کند. به‌عنوان نمونه، طه حسین نقل می‌کند که عمر در سال (عام الرماده) - سال ۱۸ هجری که خشکسالی و قحطی شدید منطقه حجاز را فراگرفته بود - با پرهیز از غذاهای متنوع، تنها به روغن زیتون قناعت می‌کرد؛ همچنین در یک روایت تاریخی دیگر می‌نویسد که عمر با ایستادن در پناهگاه شتران صدقه، با دقت ویژگی‌های آن را برای امام علی علیه السلام شرح می‌داد؛ به‌گونه‌ای که شگفتی امام علی علیه السلام را برانگیخت و ایشان آیه ۲۶ سوره قصص که توصیف دختران حضرت شعیب علیه السلام درباره امانت و نیرومندی حضرت موسی علیه السلام است را در وصف عمر قرائت کرد (طه حسین، ۱۹۵۱، ص ۱۵-۱۶). در مورد ارجاع به طبری نیز گاهی به خود طبری و گاهی به منابع او ارجاع می‌دهد (طه حسین، ۱۳۶۳، ص ۱۴، ۱۵، ۶۸، ۸۲، ۲۲۶، به نقل از: ثنایی و مجتهدی، ۱۳۹۷، ص ۵۸؛ محمدشاکر، بی‌تا، ص ۵۱۹). این امر، امکان راستی‌آزمایی تحلیل‌های او را برای محقق دشوار می‌سازد.

نتیجه‌گیری

تحلیل جامعه‌شناختی طه حسین از واقعه قتل عثمان، نقطه عطفی در تاریخ‌نگاری اسلامی محسوب می‌شود. او با شجاعت، سیطره خوانش‌های صرفاً روایی و کلامی را شکست و نشان داد که چگونه می‌توان با ابزارهای علوم اجتماعی به واکاوی تاریخ پرداخت. توجه او به علل ساختاری (خلاً قانونی)، اقتصادی (سیاست‌های مالی) و اجتماعی (تغییر بافت جامعه) دستاوردی بزرگ و قابل تحسین است.

با این حال، این تحلیل به دلیل برخی کاستی‌های جدی روش‌شناختی و مبنایی، نمی‌تواند تبیین کاملی از واقعه ارائه دهد. افراط در عقل‌گرایی و غفلت از انگیزه‌های اعتقادی بازیگران، تحلیل او را تک‌بعدی و تقلیل‌گرا کرده است. همچنین تناقض در نفی حق شورش از سوی مردم و توجیه اقدامات حاکم، موضعی پارادوکسیکال است که از ضعف مبنایی سیاسی نظریه او نشئت می‌گیرد.

در نتیجه می‌توان گفت تحلیل طه حسین اگرچه در شناسایی «زمینه‌ها» و «علل فراهم‌آور» بسیار موفق است، اما در تبیین «علل فاعلی» و کنش‌های آگاهانه بازیگران بر اساس جهان‌بینی اسلامی آن دوران، ناتوان است. به نظر می‌رسد یک تحلیل جامع نیازمند تلفیق رویکرد جامعه‌شناختی طه حسین با توجه جدی به مبنایی کلامی و اعتقادی حاکم بر فضای صدر اسلام باشد.

منابع

قرآن کریم.

- امینی، عبدالحسین (۱۳۸۷). *الغدير فى الكتاب و السنة و الادب*. بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات.
- آئينه‌وند، صادق و علوی، مریم (۱۳۸۹). دیدگاه طه حسین پیرامون مشروعیت خلافت اموی. *تاریخ اسلام*، ۱۱ (۴۳ و ۴۴)، ۳۱-۶۳.
- آل‌بویه لنگرودی، عبدالعلی و شیخی قلات، سربه (۱۳۹۵). کارکرد نشانه‌های تأکید در زبان عربی معاصر و معادل‌یابی آن در زبان فارسی (با تکیه بر ترجمه کتاب الایام طه حسین و مقدمه للشعر)، *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۶ (۱۴)، ۱۳-۴۰.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۷). *حدیث پیمانہ: پژوهشی در انقلاب اسلامی*. قم: دفتر نشر معارف.
- تسلیمی طهرانی، رضا و پارسانیا، حمید (۱۳۹۹). نقد و بررسی قرائت طه حسین از اندیشه‌های ابن‌خلدون (ابن‌خلدون؛ جامعه‌شناسی مدرن یا متفکری اشعری؟). *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۲۶ (۱۰۵)، ۱۹-۳۳.
- ثنائی، حمیدرضا و مجتهدی، مهدی (۱۳۹۷). دو گزارش از یک واقعه تاریخی: مطالعه تطبیقی نگاه طه حسین و مارتین هیندز به قتل خلیفه سوم. *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ۹ (۳۱)، ۴۷-۷۴.
- الجابری، محمد عابد (۲۰۰۴). *العقل السياسى العربى: محدداته وتجلياته*. بيروت: مرکز دراسات الوحدة العربية.
- جعيط، هشام (۲۰۰۸). *الفتنة جدلية الدين و السياسة فى الإسلام المبكر*. بيروت: دار الطليعة.
- الجنیدی، انور (۱۹۷۷). *طه حسین؛ حياته و فكره فى ميزان الاسلام*. مصر: دار النصر للطباعة الاسلامية.
- حسین، طه (۱۳۶۳). *انقلاب بزرگ*. ترجمه سیدجعفر شهیدی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی.
- حسین، طه (۱۳۶۳). *آن روزها*. ترجمه حسین خدیو جم. تهران: سروش.
- حسین، طه (۱۹۵۱). *الفتنة الكبرى*. مصر: دار المعارف.
- دکارت، رنه (بی‌تا). *گفتار در روش راه بردن عقل*. ترجمه محمدعلی فروغی. تهران: کانون تألیف و ترجمه.
- سلیمی، علی و ظفری، پژمان (۱۳۹۴). بینامتنیت قرآنی در اسلوب، واژگان و موسیقی کتاب «الایام» طه حسین. *پژوهش‌های قرآنی در ادبیات*، ۳، ۱۹-۴۰.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲). *تاریخ طبری*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- عزیزیان، مریم (۱۴۰۰). حکم الإمام علی علیه السلام من منظور المعاصرين السنة دراسة وجهة نظر طه حسین نموذجاً. *أفاق الحضارة الاسلامية*، ۱ (۴۷)، ۲۲۹-۲۵۸.
- عمار، محمد (۱۴۳۵ق). *طه حسین من الانبهار بالغرب الى الانتصار للاسلام*. مصر: الازهر.
- عنایت، حمید (۱۳۷۶). *سیری در اندیشه سیاسی عرب*. تهران: امیر کبیر.
- مادلونگ، ولفرد (۱۳۸۵). *جانسینى حضرت محمد صلی الله علیه و آله*. *پژوهشی پیرامون خلافت نخستین*. ترجمه احمد نمایی و دیگران. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- محمدرضایی، علیرضا و بیاتی، اکرم (۱۳۹۸). احساس حقارت و سبک زندگی در کتاب الایام طه حسین (بررسی روان‌شناسانه بر اساس نظریه آلفرد آدلر). *پژوهش‌نامه نقد ادب عربی*، ۱۹، ۳۱۶-۳۹۱.

محمدشاکر، محمود (بی‌تا). جمهرة مقالات الاستاذ محمود محمدشاکر. گردآورنده: عادل سلیمان جمال. قاهره: مکتبه الخانجی نظری، علی (۱۳۷۳). بررسی و آثار طه حسین در ادب عربی. کیهان فرهنگی، ۱۱۴، ۲۴-۲۷.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۲). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: علمی و فرهنگی.